

نقش وهابیت در تانزانیا

نقش وهابیت در تانزانیا

پیشینه ورود وهابیت به کشور تانزانیا به اواخر دهه 1960 باز می گردد. طی این سال ها برخی از مبلغان وهابی در زنگبار و دارالسلام به تبلیغ این فرقه ضالّه پرداختند.

پیشینه ورود وهابیت به کشور تانزانیا به اواخر دهه 1960 باز می گردد. طی این سال ها برخی از مبلغان وهابی در زنگبار و دارالسلام به تبلیغ این فرقه ضالّه پرداختند. در سال 1970 و همزمان با ورود دکتر مالک پاکستانی الاصل به این کشور، تبلیغ وهابیت در تانزانیا شدت گرفت. مالک که از شاگردان ابوالعلاء مودودی بود، پس از استخدام در دانشگاه دارالسلام و تدریس علوم اسلامی، تبلیغ اصول وهابیت را به طور جدی در سرلوحه اهداف خود قرار داد و با ایجاد مجمعی از مبلغان مصری و سودانی که با هدف نشر آیین وهابیت در این کشور فعالیت می کردند، جماعت وهابیان تانزانیا را به عنوان سازمانی دینی تأسیس کرد.[1]

دکتر مالک پس از مدتی، با ورود به جریان های سیاسی کشور به انتقاد عملکرد دولت و مسیحیان حاکم و به ویژه شخص جولوس نایرره، رئیس جمهور وقت، علیه مسلمانان و بی عدالتی های آشکار و نهان بر ضد پیروان دین اسلام پرداخت و طی سخنرانی هایی که در محافل عمومی و مساجد کشور انجام داد، به صراحت مسلمانان را به دفاع از حقوق خویش و کسب منصب های بالای سیاسی، اجتماعی، و اقتصادی در دولت و بخش خصوصی فراخواند. وی که از وهابیان تندرو و افراطی به شمار می رفت، علاوه بر آن، سازمان های اسلامی تازه تأسیس تانزانیا را فاقد انسجام و وحدت در راستای تقویت جایگاه مسلمانان در آینده سیاسی کشور دانست. مالک، سازمان باکوتا را نیز که در سال 1972 تأسیس شده بود، در بدو فعالیت آن مورد حمله قرار داد و با فاش نمودن اسنادی مبنی بر دخالت مسیحیان در تأسیس این شورا، مسئولان آن را به دلیل سیاست محافظه کارانه در قبال دولت، خائن و مصلحت اندیش خواند و تشکیل باکوتا را توطئه مسیحیان و با هدف ضربه زدن به اتحاد و انسجام مسلمانان دانست.[2]

اقدامات این فرد وهابی که همزمان، هم عالی ترین نهاد مسلمانان تانزانیا و هم مسئولان عالی رتبه سیاسی کشور را هدف قرار داده بود، با خشم مقامات سیاسی و مذهبی این کشور مواجه شد. علاوه بر آن، افشاگری های وی علیه باکوتا موجب اختلافات شدیدی در میان گروه ها و سازمان های اسلامی و کادر مرکزی باکوتا گردید. از این رو، وزارت کشور تانزانیا با صدور بیانیه ای وی را عنصر نامطلوب خوانده، از تانزانیا اخراج کرد. در اخراج این فرد وهابی، مسئولان بلند پایه باکوتا و مقامات کلیسا نقش مستقیمی داشتند. پس از اخراج استاد مالک، جایگاه وهابیت در این کشور تا مدتی دچار وقفه گردید و این در حالی بود که به دلیل اقدامات افراطی وی و همفکرانش در حمله به طریقت های متصوفه قادریه شاذلیه مرتد خواندن آنان و اعتراض نسبت به بزرگ ترین مراسم دینی مسلمانان این کشور (میلاد النبی)، موجی از خشم و نفرت علیه وهابیان در سراسر کشور به راه افتاده بود. وهابیان در اوایل سال 1974 و دو سال پس از اخراج مالک، بار دیگر فعالیت خود را در تانزانیا (زنگبار و سرزمین اصلی) آغاز کردند. طی

این سال ها، بسیاری از مصری ها، سودانی ها و عمال سعودی در پوشش معلمان قرآن و مدرسان مدارس اسلامی وارد این کشور شده، به تبلیغ وهابیت پرداختند. در این میان، تاسیس دفتر رابطه العالم الاسلامیه در دارالسلام و آغاز به کار سایر سازمان های وابسته به این سازمان، موجب گسترده شدن دامنه فعالیت مبلغان وهابی در مناطق گوناگون این کشور شد. [3]

اقدامات وهابیت در دهه 1980 و پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، در شرق آفریقا و از جمله تانزانیای شدت گرفت و آنان با تاسیس ده ها کلینیک، مسجد و مدرسه اسلامی در شهر ها و روستاهای تانزانیای فعالیت های تبلیغی خود را شدت بخشیدند. در طول این سال ها و در راستای استراتژی تربیت مبلغان بومی وهابی، ده ها تن از دانش آموزان مسلمان تانزانیای نیز به وسیله سازمان رابطه العالم الاسلامیه به دانشگاه های عربستان اعزام شدند و اکثر آنان پس از اخذ مدرک کارشناسی و بازگشت به میهن، در مقام استادان علوم دینی و روحانیان، در مدارس اسلامی و مساجد این کشور مشغول به کار شدند. وهابیان در سال 1982 سازمان انصار السنة را که از تندرو ترین سازمان های اسلامی این کشور محسوب می شود، به ظاهر با هدف تبلیغ اسلام و در حقیقت با اندیشه ترویج افکار وهابیگری در دارالسلام تاسیس کردند و همزمان شعبه های این سازمان در شهرهای بزرگ تانزانیای، از جمله زنگبار، مورو گورو، آروشا، دودوما، تانگا و کیگوما تاسیس شدند. وهابیان در حال حاضر نفوذ زیادی در سازمان های اسلامی این کشور، از جمله باکوتا و شورای مساجد تانزانیای دارند و بخش زیادی از هزینه های این سازمان ها را تقبل می کنند. آنان مدیریت دو مسجد بزرگ در دارالسلام و ده ها مدرسه و مسجد در شهرهای زنگبار، تانگا، کیگوما، آروشا و موانزا را بر عهده دارند و از تشکیلات و سلسله مراتب خاصی در شهر های گوناگون این کشور، به ویژه زنگبار برخوردارند. [4]

شایان ذکر است استراتژی وهابیان در این کشور در حال حاضر بر مبارزه با طریقت های متصوفه از یک سو و شیعیان از سوی دیگر اتخاذ شده است. آنان در این خصوص، هر سال با چاپ صدها جلد کتاب و جزوه که در چاپخانه آنان در دارالسلام منتشر می شود و توزیع این نشریه ها در شهر های زنگبار، آروشا، دودوما و کیگوما - که از پیشرفته ای قوی برخوردارند- اتهام ها و اکاذیب فراوانی را به ویژه متوجه شیعیان بومی ساخته، سعی می کنند چهره ای مخدوش از پیروان مذهب اهل بیت علیهم السلام در نزد سایر مسلمانان ترسیم نمایند. آنان همچنین با بهره گیری از دلار های نفتی عربستان و توزیع آن در میان شیخان تانزانیای، برخی از آنان را به صورت ظاهری به سمت خود متمایل ساخته اند. با این حال، گرایش عمومی در میان مسلمانان اهل سنت تانزانیای و به ویژه طریقت های قادریه و شاذلیه، بیزارى از این فرقه ضالّه و مخالفت با حضور آنها در این کشور است. [5]

گفتنی است در حال حاضر، چند سازمان بزرگ وابسته به رابطه العالم الاسلامیه در این کشور فعالیت دارند که البته برخی از آنها، از جمله بنیاد الحرمین، از سال 1998 به بعد با محدودیت های دولت و نیروهای امنیتی روبه رو شده اند.

[5].()

[1]. [2].218. [3].219. « » : .. [4].5-3